

پایه :	۴	موضوع	عقاید ۴
تاریخ :	۹۴/۰۵/۱۵	ساعت:	۱۰:۳۰

نام کتاب: بدایة المعارف الإلهیة، از اول جلد ۱ تا اول الفصل الثانی فی الذبوه

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. بر اساس نظر اشاعره در آیه شریفه «لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ» چون لذا از او سؤال نمی شود. ب ۱۱۱

أ. خداوند حکیم است پس افعالش بر اساس مصالح است ☐ ب. اراده خداوند قانون و قاعده است ☒

ج. افعال خداوند به خاطر کمال ذات او هستند پس همه صواب هستند ☐ د. برای غیر خداوند حقی نیست ☐

۲. البداء عند الشيعة هو و هو د ۱۸۱

أ. بداء ندامة - محال ☐ ب. ظهور الأشياء على خلاف مقتضيات و المعدات - محال ☐

ج. بداء ندامة - جائز ☐ د. ظهور الأشياء على خلاف مقتضيات و المعدات - جائز ☒

۳. کدام برهان علاوه بر اثبات وجود خداوند، امتناع تسلسل را نیز اثبات می کند؟ ب ۳۳

أ. معلولیت ☐ ب. ضرورت و وجوب ☒ ج. محدودیت ☐ د. فطرت قلب ☐

۴. به نظر شارح، کدام دلیل اثبات «واجب تعالی»، بر اصل علیت متوقف نیست؟ ج ۲۳

أ. برهان معلولیت ☐ ب. برهان حدوث و تغیر ☐ ج. برهان فطرت ☒ د. برهان ضرورت و وجوب ☐

تشریحی

۱. احتمالات در علت به وجود آمدن ممکن، در چهار امر زیر منحصر است. علت بطلان سه احتمال را بیان نمایید تا احتمال چهارم اثبات شود.

۲۸

أ. العدم: عدم نمی تواند معطی شیء باشد.

ب. نفس الممكن: خود ممکن قبل از به وجود آمدنش معدوم است و معدوم که فاقد است نمی تواند معطی باشد.

ج. مثل الممكن: امثال ممکن هم نیازمند علتند و بدون انتهاء به واجب نمی توانند موجود شوند و به دیگری وجود بدهند.

د. واجب الوجود: علیت تنها منحصر در اوست.

۲. از ادله اثبات وجود خداوند، دلیل «تدبیر و هدایت» را توضیح دهید. ۳۸

هر کس در نظام عالم تأمل کند علاوه بر نظم می بیند که این عالم تحت تدبیر یک شاعر حکیم است که همه موجودات را به طرف وظایفش با هدایت تکوینی هدایت می کند مثلاً زنبور عسل و مورچه. و چون این موجودات بسیار زیاد و با عظمت هستند پس آن شاعر حکیم یا خود واجب الوجود است و یا منتهی به واجب الوجود می شود.

۳. «توحید افعالی» را توضیح داده، بنویسید شامل چه انواعی از توحید می شود. ۵۰-۱

عبارت است از اعتقاد به این که هر چه در عالم واقع می شود از علل و معلولات و ... با اراده خداوند متعال است و همه چیز قائم به اوست. لاحول و لا قوة و لا تأثیر إلّا به و بإذنه.

شامل توحید در خالقیت و ربوبیت و رازقیت و سایر افعال الهی می شود.

* من أشرك في العبادة غيره تعالى فهو مشرك كمن يرائي في عبادته و يتقرب إلى غير الله تعالى و حكمه حكم من يعبد الأصنام و الأوثان، لا فرق بينهما.

۴. نظر شارح در مورد مطلب فوق را بیان کنید. ۶۳

ریاء از صنوف شرک خفی است و عملی حرام و موجب بطلان عبادت است. اما این باعث نمی‌شود که از زمرة مسلمین خارج شود؛ چون که مرائی به توحید ذات و صفات و فاعلیت و ربوبیت اعتقاد دارد و تنها به خاطر ضعف ایمانش در عمل همانند مشرکین عمل می‌نماید.

* المجبرة هم الذين نسبوا الجبر إلى الإنسان و منهم الأشاعرة الذين ذهبوا إلى إنكار السببية و انحصار السبب في الله تعالى و فيه أن التزام المشاهد بين الماديات ممّا يشهد على وجود رابطة العلية و التأثير و التأثر إذ المفروض أنه لا تأثير لها و إرادته تعالى لا تكون متزامنة لعدم التكثر في ذاته و المفروض أنه لا دخل لغيره تعالى في السببية فالتزام ليس إلّا لتأثير الماديات بعضها في بعض. ۱۴۳

۵. اشکال وارد شده به نظر جبریه را توضیح دهید.

اگر سببیت منحصر در خداوند باشد نباید بین مادیات تزامنی باشد در حالی که تزامن وجود دارد و این تزامن به خداوند متعال مستند نیست؛ چون باعث قول به تكثر در ذات حق می‌شود پس مربوط به خود مادیات است و این دلیل است براین که مادیات نیز علیت دارند.

* ذهب الإمامية و المعتزلة إلى أن حكم العقل في الحسن و القبح بدیهی فی بعض الأفعال و نظری فی بعض آخر و لا حکم له فی قسم ثالث. ۱۰۰

۶. أ. برای هر یک از سه قسم مذکور مثال بزنید. ب. در قسم سوم، برای کشف حسن و قبح چه باید کرد؟

أ. حسن و قبح بدیهی مانند حسنِ عدل و احسان و صدق نافع، و قبح کذب ضار و ظلم - نظری مانند قبح صدق ضار یا حسن کذب نافع - قسم سوم عبادات و مخترعات شرعیه. ب. باید در تشخیص حسن و قبح آنها به شرع مراجعه نمود.

۷. مرحوم علامه، امور را به لحاظ خیر و شر به اقسام زیر تقسیم نموده است، علت وجود یا عدم وجود هر یک را بنویسید. ۱۱۶

أ. ما هو خير محض: يوجد لأنّ في تركه شراً محضاً

ب. ما خيره أكثر من شرّه: لا يوجد لأنّ في تركه شراً كثيراً

ج. ما يتساوى خيره و شرّه: لا يوجد لاستلزامه الترجيح من غير مرجح

د. ما شرّه أكثر من خيره: لا يوجد لأنّ فيه ترجيح المرجوح

* صفاته تعالى مختلفة في معانيها لا في حقائقها و وجوداتها لأنه لو كانت مختلفة في الوجود و للزم تعدّد واجب الوجود و لانتلمت الوحدة الحقيقية و هذا ما ينافي عقيدة التوحيد و أما الصفات الثبوتية الإضافية كالخالقية فهي ترجع إلى القيومية لمخلوقاته. ۶۹

۸. جملة «أما الصفات الثبوتية ... لمخلوقاته» پاسخ به یک اشکال مقدر است. اشکال و پاسخ آن را بنویسید.

در ابتدای عبارت بیان شده است که صفات خداوند متعال در معنی متفاوتند نه در حقیقت‌شان، یعنی همه آنها به یک مصداق باز می‌گردند. با توجه به این مطلب این اشکال پیش می‌آید که در مورد صفات اضافیه چه می‌گویید که نمی‌توان آنها را بر مصداق واحد تطبیق نمود. پاسخ این است که این صفات به حقیقه باز می‌گردند که همان قیومیت باشد و از این صفت صفات متعدد انتزاع می‌شود.

* بعض لما عزّ عليه أن يفهم كيف أن صفاته عين ذاته فتخيل أن الصفات الثبوتية ترجع إلى السلب ليطمئن إلى القول بوحدة الذات و عدم تكثرها فوق بما هو أسوأ إذ جعل الذات عين العدم و جعل الذات عين العدم واضح البطلان إذ العدم ليس بشيء و لا شيء له حتى يعطى غيره شيئاً. ۷۷-۹

۹. راه حلی را که افراد مذکور در عبارت برگزیده‌اند چیست؟ اشکال آن را بنویسید.

این عده برای فرار از تعدد یا ترکیب ذات این راه حل را برگزیده‌اند که صفات ثبوتیه به سلب بر می‌گردند یعنی خداوند متعال فاقد صفت است. اشکال: اگر بخواهیم ذات را عین عدم و فاقد صفات بدانیم لازم می‌آید معطی شیء فاقد شیء باشد که محال است.